



۲۰۱۷/۰۴/۲۴



م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در هجرت

شعار و شعور طالبان!

طالبان هر روز در هر گوشه و کنار افغانستان، حادثه های خونین می آفرینند و با از بین بردن زن، مرد، طفل، پیر و جوان، خانواده ها را به ماتم می نشانند و مسؤلیت را هم با افتخار می پذیرند. اینک بعد از واقعه خونین شفاخانه داوود خان، خونین ترین و تحمل ناپذیر ترین واقعه در قرارگاه اردوی مزار شریف دو صد خانواده بی کناه را برگلیم ماتم نشانند. متأسانه تلاش های مذبحانه دولت هم، چون در برابر دشمن مکار و غدار قرار دارد، به جایی نمی رسد این شعر پوره سه سال پیش به چنین مناسبتی و به غرض همدردی با سوگواران حوادث مکرر سروده شده است که تقدیم دوستان می شود:



از طالبان می پرس شعور و شعارها
بادارها، هدایت شان می دهد مدام
این قصه روشن است به مردم درین جهان
باقتل و سربریدن و بارعب و خوف و ترس
خوانند حدیث اطلب العلم از ملای ده
در کار شان اساس عمارت ندیده ایم
خود اختیار خویش ندارند، حیف، حیف
چون رمه در چراگه بیگانه می چرند
در گوش این گروه عجایب اثر نکرد
ما را به کار خویش ملامت همی کنند
کاماده کرده اند به هر گوشه دارها
تا جوی خون روان شود از هر کنارها
کز جهل شان به داد رسیده هزارها
با اختطاف و وحشت و با انتحارها
اما به جهل خوار تر اند از حمارها
گل نیست در امارت شان، غیر خارها
داده به امر غیر، ز کف اختیارها
در نوکری غیر کنند افتخارها
گرچه ازین مقوله نوشتیم بارها
با کار شان اگر چه نداریم کارها

يارب نصيب كن كه ازین جمع بدنصیب سرها به زیر تیغ ببینیم و دارها
روزی رسد (اسیر) كه از بهر انتقام
دنبال شان كنیم به كنج و كنارها

م. نسیم (اسیر) ۸ اپریل ۱۴م، فرانكفورت

